



هر جا که روی سخن از «امیر کبیر» است

نویسنده: حبیب کریمی - روزنامه نگار

هرگاه گذرم به دانشگاه صنعتی امیر کبیر می‌افتد، رعشه‌ای تمام کالبدم را برای مدتی تحت تأثیر قرار می‌دهد، لحظات پایانی عمر امیر در حمام فین کاشان، دخالت وقیحانه و مزدورانه دو ابرقدرت آن زمان - روسیه و انگلیس - و نقش موثر یک دسیسه‌گر در مقام ملکه بیوه قاجار در کشتن امیر کبیر که اگر بود و شهید نمی‌شد؛ ایران ۱۵۰ سال پیشتر از کشورهای کنونی قدر قدرت می‌بود، حتی از ژاپن که ۲۰ سال بعد از ایجاد دارالفنون - که من از افتخاراتم ۳ سال آموختن در آن مهد علم، ادب، صنعت و پزشکی و ... است - مبادرت به تأسیس نهادی همانند دارالفنون می‌نماید که اینک یکی از قطب‌های صنعتی جهان به شمار می‌آید. روز ۱۴ آبان ۹۸ به دعوت دبیرخانه کنگره ملی امیر کبیر، گذرم به دانشگاه صنعتی امیر کبیر می‌افتد، جایگاهی که ۵۶ سال است که بارها و به دفعات و تکرار پای در این نهاد نهاده‌ام، چه آن موقع که دانشگاه پلی تکنیک بود و چه اکنون که نام مبارک امیر کبیر را بر تارک خود دارد.

در روز موعود که آئین‌نامه اختتامیه کنگره ملی امیر کبیر با حضور جمعی از اندیشمندان و چهره‌های شاخص فرهنگی و هنری برگزار شد، از آثار برگزیده نخستین کنگره ملی امیر کبیر که با هدف آشنایی بیشتر آحاد جامعه به ویژه جوانان و دانشجویان با ابعاد زندگی و حیات فکری اجتماعی «میرزا تقی خان فراهانی» ملقب به امیر کبیر و نمودار ساختن زوایای پنهان شخصیتی آن رادمرد و در نهایت بهره‌مندی از منش این فرد برجسته و بزرگ تاریخ ایران در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در چهار بخش علمی، ادبی، هنری و فضای مجازی برگزار شد؛ تجلیل به عمل آمد.

در این راستا از سوی هیئت اجرایی کنگره به هر یک از مدعوین یک مجلد کتاب مجموعه اشعار شاعران معاصر درباره امیر کبیر اهداء شد که تورق صفحه به صفحه این کتاب از عظمت، اہمیت، سلطوت و شوکت امیر به زبان شعرای معاصر به نیکی و در حد اعلاء تعریف،

تمجید و تکریم به‌عمل آمده که نقل هر کدام از آنها خود فرصت بسیار می‌خواهد و در این زمینه با رخصت از دانش‌آموختگان برجسته دانشگاه صنعتی امیر کبیر می‌باشند؛ ذیلاً مبادرت به نقل مضمون شعر «هر جا سخن از امیر کبیر است» می‌شود:

هر جا سخن از امیر کبیر است / گویند که بهترین وزیر است
بیگانه‌ستیز بود و هوشیار / تعدیل نموده خرج دربار

برداشت بساط رشوه‌خواری / هم هر چه خرافه‌های جاری
بنیاد دفاع قوی نهاد / بر ارتشیان قوام داده

دارالفنون که شاهکار است / از اوست به علم یادگار است
مردی که سه‌سال در حکومت بس / شهره شدست در عدالت

اصلاح وطن به دست او بود / یک لحظه به عمر خود نیاسود
از وهم و خیال ما بسی بیش / در صنعت و اقتصاد در پیش

هرگونه فساد در اداره / شد با هنر امیر، چاره
هرگز نگذاشت دست بردست / قفل همه مشکلات بشکست

او گشت امیر کشور دل / از بس که بزرگ بود و فاضل
موقفه که از امیر برجاست / یک مسجد و مدرسه زیباست

اندیشه‌گری و رای ادراک / پیدا بکنی چون او تو حاشاک
سیمرغ بود بلندپرواز / درجا بزند مگس فقط باز

مردان بزرگ با اراده / در راه خدا قدم نهاد
مانند امیر سرفرازند / تاریخ ز عزم خود بسازند

هرگز نرود امیر از یاد / تا حشر درود ما بر او باد
(محسن احمدیان هروانی)

پای حرف دختری که از پدر سخن می‌گفت

در این مرحله فرصت دیگری پدید آمد که عصر آن روز در کلینیک پروفیسور داریوش فرهود - پدر علم ژنتیک ایران - که دانش‌آموخته دارالفنون است و یک‌شنبه‌های اول هر ماه از ساعت ۵ عصر تا ۷ بعداز ظهر این فرصت را به جمع دانش‌آموختگان دارالفنون که از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۶۴ (آخرین سال پذیرش دانش‌آموز در دارالفنون) تاکنون در قید حیات هستند؛ داده است تا گردهم آیند

و هر ماه شنوای سخنان استادان و شاگردان دارالفنون امثال روانشاد بهمن کشاورز، دکتر لطفعلی بخشی - استاد دانشگاه -، دکتر محسن محبی - نماینده ایران در دادگاه لاهه به هنگام طرح دعوی علیه آمریکا و داور علی‌البدل دائمی دادگاه مزبور و ... باشند؛ حاضر شوم و شنوای سخنان خانم دکتر مهدخت معین - دختر روانشاد دکتر محمد معین وصی علامه دهر دهخدا (پایه‌گذار تصحیح لغات فارسی) باشم. با این یادآوری که دکتر معین نیز ۳ سال در مدرسه تاریخی دارالفنون تحصیل کرده که به گفته ابوطالب حافظی - رئیس اسبق مدرسه تاریخی دارالفنون که اینک به موزه تبدیل شده، ۲۷ نخست وزیر، صدها وزیر، ده‌ها سفیر، وکیل، تاجر، صنعتگر، پزشک، مهندس و ... از این نهاد برخاسته و به جامعه خدمت نموده‌اند.

دکتر مهدخت معین در حالی که به آرامی اشک می‌ریخت، از مرگ مشکوک دکتر محمد معین که بر اثر یک خطای پزشکی ۶ ماه به کما رفت و بعد از آن هم ۵ سال تمام به زندگی گیاهی پرداخت، با حسرت و اندوه یاد کرد و از تلاش‌ها و کوشش‌های پدر برای احیای زبان فارس سخن گفت. بی‌تعارف آن روز برایم یکی از ایامی بود که هرگز از خاطرم زوده نمی‌شود و افسوس می‌خورم چرا دولت‌های استعمارگر آن زمان به دنبال حذف امیر کبیر و به شهادت رساندن او بودند. به یاد می‌آورم آن قسمت از نوشته یاکوب پولاک - پزشک اتریشی مخصوص ناصرالدین شاه قاجار و نخستین استاد پزشکی دارالفنون - که که نوشته «امیر کبیر مظهر وطن‌دوستی بود و پول‌هایی که به امیر می‌دادند و

نمی‌گرفت؛ همگی خرج کشتنش شد.» پولاک می‌نویسد: «میرزاتقی خان در یکی از پیچ‌های سرنوشت‌ساز تاریخی، سکان هدایت کشور را به دست گرفت و ایران را در مسیر ترقی و پیشرفت قرار داد.»

امیر کبیر در واقع پرچمدار استعمارستیزی، ضربه‌زدن به استعمارگران و تلاش برای خودکفایی بود. روانشاد...
باقی‌بقایتان